

The relation of publicity rule in the legal system of Islam, Iran and western countries from the point of view of government costs and proceedings

Peyman Haj Mahmoud Attar¹, Betul Pakzad², Fethullah Rahimi³

Abstract

Field and Aims: The purpose of this research is to investigate the rule of publicity in Islamic law and Western law from the perspective of government and legal costs. Today, in legal criminal policy, the economy of crime is one of the important issues, and the costs of criminalization, criminalization, and method should be considered. Less expensive ways to fight crime should be considered. One of the criminal measures that exist in all legal systems, both Islamic law and Western law, is to make public the crimes committed by criminals, especially those who commit crimes against state and public property or deprivation of public safety and comfort. In Islamic law and Western law, this is called the implementation of the rule of publicity.

Method: The present research was carried out using a descriptive-analytical method.

Finding and Conclusion: The rule of publicity in reducing the costs of crime has been subjected to comparative research from the perspective of Islamic jurisprudence, Iranian law and Western law, and the findings indicate that in many cases, people who are prone to commit crimes by observing the punishment of the convicted are made public. have given up committing crimes, and publicizing the execution of punishments has reduced the commission of crimes and prevented many of their types.

Keywords: publicity, cost of crime, punishment, crime prevention.

*Citation (APA): Haj Mahmoud Attar, P., Pakzad, B, Rahimi, F. (2022). The relation of publicity rule in the legal system of Islam, Iran and western countries from the point of view of government costs and proceedings. *International Legal Research*, 15(56), 63-81.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_690511.html?lang=en

1. PhD student in criminal law and criminology, Ayatollah Amoli branch, Islamic Azad University, Aml, Iran. Email: peymanattar@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Author). Email: D.b.pakzad@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: rahimif_law@yahoo.com

مقارنه قاعده تشهير در نظام حقوقی اسلام، ايران و كشورهای غربی

از منظر هزینه‌های دولتی و دادرسی

پیمان حاج محمودعطار^۱، بتول پاکزاد^۲، فتح‌الله رحیمی^۳

چکیده

زمینه و هدف: هدف از این تحقیق بررسی قاعده تشهير در حقوق اسلام و حقوق غرب از منظر هزینه‌های دولتی و دادرسی است. امروزه در سیاست کیفری تقنینی، اقتصاد جرم از موضوعات مهم مورد توجه می‌باشد و باید هزینه‌های جرم انگاری و کیفر انگاری و روش‌های کم‌هزینه‌تر برای مبارزه با جرم مورد توجه قرار گیرد. یکی از تدابیر کیفری که در همه نظام‌های حقوقی اعم از حقوق اسلامی و حقوق غرب وجود داشته، علنی کردن جرایم ارتكابی بزهکاران به ویژه، مرتکبین جرایم علیه اموال دولتی و عمومی یا سلب امنیت و آسایش عمومی است. در حقوق اسلام و حقوق غرب به این امر، اجرای قاعده تشهير اطلاق می‌شود.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: قاعده تشهير در کاهش هزینه‌های جرم از دیدگاه فقه اسلامی، حقوق ایران و حقوق غرب مورد تحقیق تطبیقی قرار گرفته است و دستاوردها حاکی از آن است که در بسیاری از موارد اشخاصی که مستعد ارتكاب بزه می‌باشند با مشاهده علنی شدن مجازات محکومین، از ارتكاب جرم صرف نظر کرده‌اند و تشهير اجرای مجازات موجب کاهش ارتكاب جرایم و پیشگیری بسیاری از انواع آنها شده است.

کلیدواژه‌ها: تشهير، هزینه جرم، مجازات، پیشگیری از جرم.

* استناددهی (APA): حاج محمودعطار، پیمان؛ پاکزاد، بتول؛ رحیمی، فتح‌الله. (۱۴۰۱). مقارنه قاعده تشهير در نظام حقوقی اسلام، ایران و کشورهای غربی از منظر هزینه‌های دولتی و دادرسی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۶)، ۸۱-۶۳.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_690511.html

۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

رایانامه: peymanattar@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: D.b.pakzad@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: rahimif_law@yahoo.com

مقدمه

با افزایش جمعیت و روابط اجتماعی، گاهی تلاش و بهره‌مندی بیشتر فرد از حقوق خود ممکن است موجب تجاوز به حقوق افراد دیگر و حتی در مرحله بالاتر موجب سلب آسایش و امنیت عمومی گردد که به عنوان جرم مورد تعقیب قرار گیرد، لیکن مسلماً تعدی از حدود معینه برای صیانت از حقوق همه افراد یک جامعه توسط برخی از افراد، تحت عنوان جرم ممکن است بدون وجود حقی از سوی مرتکب صورت پذیرد. به هر صورت فرهیختگان جامعه در همان مراحل ابتدایی تمدن بشری در اندیشه تشکیل حکومت و تدوین مقررات برای انضباط رفتاری افراد در جهت صیانت از حقوق همه آحاد جامعه بودند تا بدین ترتیب مانع تعرض و آسیب اشخاص به حقوق دیگران شوند و به جهت اینکه برخی از افراد به این مقررات توجه نمی‌کردند، حاکمان و کارگزاران درصدد تدوین قوانین کیفری و شبه کیفری برای ضمانت اجرای حقوق انسانی شهروندان از طریق اعمال مقررات محدودسازی شهروندان برآمدند. این مرحله از قانون‌گذاری، مرحله مجازات برای برخی از رفتارهای شهروندان در راستای ضمانت اجرا بخشیدن به رعایت حقوق افراد انسانی در نظم عمومی می‌باشد.

در این مرحله به فراخور شرایط حاکم بر جامعه، سیاست‌گذاران کیفری با تعریف برخی از اعمال و رفتارها به عنوان واکنش اجتماعی به هرگونه نقض قواعد رفتاری، تحت عنوان جرم، مجازات‌های مختلف و متنوعی را ملحوظ کردند. برخی از این مجازات‌ها موجب منع افراد از رفتارهای مجرمانه یا کاهش این گونه رفتارها می‌گردید و برخی نیز موجب تغییر روش مجرمانه بزهکاران و پنهان کردن جرم و... خواهد شد. مجازات‌های مرسوم در جوامع کهن، بیشتر مجازات‌های خشن و دهشتناک بودند از اعدام محکومین به روش‌های زجرآور گرفته تا قطع اعضای بدن یا حبس‌های شکنجه‌وار و تبعید و... به مرور با پیشرفت جوامع، مجازات‌های خشن جای خود را به مجازات‌های سبک‌تر و مجازات‌های جایگزین دادند.

امروزه در اکثر کشورهای جهان، مجازات اعدام، ولو اعدام بدون زجر، منسوخ شده است. همچنین مجازات‌های شلاق و قطع عضو و سنگسار نیز از پیکره قوانین جزائی حذف شده‌اند. حتی برای مجازات زندان نیز سیاست جنایی تقنینی روش‌های جایگزین مناسب‌تری برای محکوم و جامعه پیش‌بینی کرده است. یکی از مجازات‌هایی که از دوران‌های کهن تمدن تاکنون اعمال می‌شده، افشاء و علنی نمودن جرم ارتكابی شخص مجرم در اجتماع مردم بوده است. در همه مکاتب حقوقی به ویژه مکاتب کیفری مذهبی بر افشای برخی از مجازات‌ها در علن و معرفی مجرم به جامعه تأکید شده است. این مقاله نخست به تعریف افشاء و محکومیت و مجازات و یا به تعبیر فقهی آن، قاعده تشهیر می‌پردازد و سپس با تبیین انواع تشهیر و افشاگری محکومیت‌ها، مزایا و معایب هر یک را مورد بررسی قرار داده و نهایتاً نقش اعمال قاعده تشهیر در کاهش ارتكاب

جرم و هزینه‌های مربوطه برای دستگاه عدالت قضایی مورد توجه قرار گرفته و با مقایسه آن در نظام حقوق اسلام و غرب، موضوع مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نگارندگان در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤالات اصلی هستند که قاعده تشهیر در حقوق اسلامی چه تفاوت‌هایی با مفهوم این قاعده در حقوق غرب دارد؟ در صورتی که بر اساس نظر غالب فقها و همچنین جرم‌شناسان غربی، قاعده تشهیر در خصوص جرایم علیه عمومی نیز قابل اعمال می‌باشد، در پیشگیری از ارتکاب این گونه جرایم و کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت قضایی چه کارکردی دارد؟ در پاسخ به سؤالات مذکور فرضیه‌های ذیل را می‌توان مطرح کرد:

به نظر می‌رسد قاعده تشهیر در حقوق اسلام ریشه در آیات قرآنی دارد و به صورت قاعده‌ای ثابت است و در حقوق غرب به موازات تحولات حقوقی سیاست جنایی تقنینی، با تغییرات اساسی مواجه شده است. همچنین در پاسخ به سؤال دوم نیز به نظر می‌رسد، اعمال قاعده تشهیر چه در حقوق اسلام و چه در حقوق غرب، موجب جلوگیری از تجری و جرات یافتن بزهکار و افراد دیگری می‌شود که آمادگی ارتکاب جرایم مشابه تشهیر شده را دارند و به گونه‌ای کاملاً قاطع و مطمئن موجب پیشگیری از ارتکاب بخش عمده‌ای از جرایم و در نتیجه کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت قضایی می‌گردد.

۱. پیشینه و مفاهیم نظری

۱-۱. پیشینه

رشادتی و رضایی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «کیفرشناسی تشهیر و امکان سنجی نشر تصویر، حکم محکومیت و رسواسازی قضات متخلف» به این نتیجه رسیده‌اند که از چشم‌انداز کیفرشناسان، هر یک از مجازات‌ها، در بردارنده معایب و محاسنی است و به نظر می‌رسد که بی‌توجهی به اهداف سزادهی رسواسازی و تشهیر دادرسان متخلف، موجبات چیرگی زیان‌ها بر فواید آن را فراهم خواهد کرد. در این راستا، پیرامون کارایی سزای «تشهیر» بر دادرسان، در پرتو نظریات کیفرشناسی مرتبط، آراء متعددی وجود دارد و همین موجبی برای در پیش گرفتن طریق حزم و احتیاط در اجرای چنین کیفرهایی است.

غلامی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مجازات تشهیر در تعزیرات (با رویکرد تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده آمریکا)» به این نتیجه رسیده‌اند که مجازات «تشهیر» در برخی مواد قانونی مورد اشعار مقنن قرار گرفته است. از جمله این موارد می‌توان به مواد ۱۹، ۲۳ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی به عنوان مجازات‌هایی اصلی و تکمیلی و همچنین تبصره ۲ ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود. نظام کیفری اسلام مجازات تشهیر را به رسمیت شناخته و در ساختاری سازمان‌یافته و با اهدافی مشخص در بازدارندگی و پیشگیری به کار بسته است. در این میان، تشهیر در خصوص برخی جرایم حدی و

نیز موارد معدودی از تعزیرات مورد تصریح قرار گرفته و لیکن اعمال آن در سایر جرایم تعزیری محل تأمل است.

محدثی و سلطانی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که تشهیر یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که به اعتقاد قاطبه فقها مجازات اصلی جرم شهادت زور است و از نظر مشهور فقها در مورد قاذف، قواد، کلاهبردار و مفلس هم اجرا می‌شود. در مورد فلسفه، موارد و کیفیت اجرای تشهیر بین فقها اختلاف نظرهایی موجود است. در قوانین موضوعه ایران نیز، تشهیر به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری به رسمیت شناخته شده و در قوانین متعددی از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان دو قانون مهم کیفری، موارد و نحوه اجرای آن مشخص شده است.

ایزدی و غلامپور (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «انتشار احکام قطعی در فقه و حقوق ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که اعمال این مجازات در گذشته از طریق جار زدن و یا انداختن زنگوله بر گردن مجرم در مکان‌های عمومی صورت می‌گرفت، اما در عصر حاضر از طریق رسانه‌های گروهی در قالب به نمایش گذاشتن تصویر مجرم به عمل می‌آید. در ادله و مدارک موجود اگرچه به ندرت به این موضوع اشاره شده است، اما فحص و جست‌وجوی در آنها چنین مجازاتی را در شرع مقدس توجیه می‌نماید به گونه‌ای که این موضوع از نگاه قانون‌گذار ما نیز پوشیده نمانده و انتشار حکم قطعی را در برخی مجازات پذیرفته است.

۱-۲. مفهوم تشهیر

تشهیر، واجد تعاریف مختلفی است که یک‌گونه از آنکه مختص محکومان می‌باشد، عبارت است از مجازاتی که به موجب آن محکوم علیه، میان مردم معرفی و شناسانده می‌شود. تشهیر کیفری به دو صورت «مجازات مستقل» و «مجازات تکمیلی» مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۳۳). تشهیر از زاویه قالب پژوهشگران حقوق کیفری، یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که مجازات جرم شهادت زور است و از نظر مشهور فقها در مورد قاذف، قواد، کلاهبردار و مفلس هم اجرا می‌شود. در مورد فلسفه موارد و کیفیت اجرای تشهیر بین فقها اختلاف نظرهایی وجود دارد. در قوانین موضوعه ایران نیز، تشهیر به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری به رسمیت شناخته شده و در قوانین متعدد از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، موارد و نحوه اجرای آن مشخص شده است (محدثی و سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).



تشهير مجرم، به معنای اعلام عمومی مجرم و جرم و مجازات او، یکی از مصادیق اقدامات تأمینی است که نه به قصد مجازات و سزادهی بلکه به منظور تنویر افکار عمومی و آگاه‌سازی آنان و در پی آن، پیشگیری از تکرار دوباره جرم توسط بزهکار اجرا می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۶۰).

قانون‌گذار کشور نیز مجازات «تشهير» را در جهت مقابله با فساد و برقراری عدالت و امنیت میان شهروندان مورد استفاده قرار داده است. قانون مجازات اسلامی در یکی از عناوین مجازات برای مجرم‌ان در ماده ۱۹ این قانون در زمینه به کارگیری مجازات تشهير بر مبنای مجازات درجه ۶ چنین آورده است: «انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها». بدین ترتیب قانون‌گذار با نام بردن از اصل تشهير، رویکردی حقوقی آفریده است که بر مبنای آن می‌توان احکام قطعی کسانی که مرتکب جرایم تعزیری در جامعه شده‌اند، رسانه‌ای شود و در معرض دید عموم قرار گیرد. این امر هم از حیث بازدارندگی و هم از حیث مجازات مجرم‌ان، ارتباط گسترده‌ای با حقوق شهروندان پیدا می‌کند (شجاعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۵).

مجازات‌هایی مانند تشهير با روش‌هایی مانند انتشار حکم محکومیت، دنباله کیفرهای رسواکننده است که در گذشته از روش‌هایی مانند نمایش مجرم‌ان در میان عموم صورت می‌پذیرفت و به تدریج با ورود و ظهور مطبوعات، رسانه و فضای مجازی به عرصه زندگی بشریت، اجرای این ضمانت اجرای رسواکننده نیز از آن مصون نمانده و اشکال نوینی در قالب تشهير رسانه‌ای جلوه کرده است.

۲. قاعده تشهير در نظام حقوق اسلامی

تشهير از جمله نهادهای فقه اسلامی است که یکی از کارکردهای آن، شناساندن مجرم‌ان به مسلمین است (رشادتی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۰۲). تشهير در مجازات از دیدگاه فقه اسلامی به مفهوم منتشر کردن و آشکار نمودن آن است. آشکار نمودن مجازات، دو معنا دارد: یکی اینکه فقط خبر آن در بین مردم منتشر گردد و دوم اینکه علاوه بر اطلاع مردم، حضور آنان نیز در زمان اجرای حکم لازم است. پس اعلان مجازات از نظر لغت در دو مصداق: «اطلاع مردم» و «حضور مردم» عینیت پیدا می‌کند. ولی سخن ما این است که اعلان مجازات در اصطلاح فقها صرفاً با حضور مردم، عینیت پیدا می‌کند؛ زیرا شواهد محکم و متقنی وجود دارد که نشان می‌دهد اعلان مجازات تنها با حضور مردم محقق می‌شود و صرف اطلاع، کافی نیست؛ چنانکه در آیه «وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين»، کلمه «وليشهد» بیانگر وجوب یا استحباب حضور طائفه‌ای از مؤمنین است. همچنین دسته‌زبانی از روایات بر حضور مردم در مقام اجرای حکم (اعم از زنا و غیره) دلالت دارند.

برای برخی جرایم در فقه شیعه، مجازات تشهير پیش‌بینی شده که متفق‌القول آنها، تشهير در شهادت دروغ است (محدثی و سلطانی، ۱۳۹۶: ۷۷). همچنین، در خصوص قاذف، محتال، قواد و مفلس نیز در برخی متون فقهی به این مجازات اشاره شده است (رشادتی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۰۳). امروزه جلوگیری و مبارزه با انواع مفساد اقتصادی، یکی از ضرورت‌های غیر قابل انکار حیات بشری است. در نظام جمهوری

اسلامی ایران نیز مسأله پیکار با فساد اقتصادی، یکی از ضرورت‌های اساسی نظام حقوقی کشور می‌باشد. از این‌رو، قوانین مهمی در زمینه مبارزه با فساد اقتصادی وجود دارد. یکی از این قواعد حقوقی و قضایی، تشهیر رسانه‌ای است که می‌تواند موجب کاهش فساد اقتصادی در جامعه شود. تشهیر رسانه‌ای با معرفی و شناساندن محکوم، باعث آگاه شدن افکار عمومی و شناسایی متخلفان و مفسدان اقتصادی شود که به نوبه خود هم نوعی مجازات تعزیری محسوب می‌شود (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

به‌طور کلی تشهیر در برخی از جرایم پیش‌بینی شده است از جمله:

- در آیه دوم از سوره نور تصریح به لزوم تشهیر فرد زناکار شده است. (ولیشهد عذابهما طائفه من المومنین)؛ یعنی باید گروهی از مؤمنین در مکان اجرای مجازات زانی و زانیه حاضر و ناظر باشند و به عبارت دیگر اجرای کیفر آنان باید علنی صورت پذیرد؛

- به صلیب کشیدن محارب؛

- شاهد زور (شاهدی که شهادت به دروغ می‌گوید)؛

- قاذف؛

- محتال (کلاهبردار)؛

- قواد؛

- مفلس (ورشکسته).

امیر مومنان حضرت علی (ع) از خیانت ابن هرمه (مأمور بازار اهواز) اطلاع پیدا کرد، به رفاعه (حاکم اهواز) نوشت: وقتی که نامه‌ام به دست رسید، فوراً ابن هرمه را از مسئولیت بازار عزل کن، به خاطر حقوق مردم، او را زندانی کن و همه را از این کار با خبر نما تا اگر شکایتی دارند، بگویند. این حکم را به همه کارمندان زیر دست، گزارش کن تا نظر مرا بدانند (لطیفی بنماران و پاکیان، ۱۳۹۹: ۱۰).

مجازات تشهیر، به دلیل آثار بازدارنده‌ای که در آن وجود دارد، به ایجاد امنیت در جامعه کمک می‌رساند؛ زیرا یکی از دلایل حمایت از قاعده فقهی - حقوقی تشهیر آن است که فرد مجرم، عقوبت می‌شود تا دیگران از انجام چنین عملی بترسند، بنابراین مشاهده مجرم در ملاءعام و یا انتشار نام وی در رسانه‌ها باعث ترس و یا حتی درس عبرتی برای سایرین می‌شود که در نهایت، زمینه‌ساز تحقق امنیت عمومی به عنوان حقوق اولیه شهروندان است. امنیت عمومی به معنای کلی آن، مجازات همه مجرمانی است که در عرصه‌های مختلف جامعه باعث ایجاد ناامنی می‌شوند. مستندات و روایات متعددی در این زمینه وجود دارند (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۲).

بازدارندگی عمومی از جرم هدف اصلی مجازات تشهیر است؛ زیرا مجازات تشهیر دارای کارکردهای متفاوتی است که هر کدام از آنان می‌تواند باعث کاهش جرایم اجتماعی و افزایش امنیت جامعه شود. توضیح اینکه بر طبق مجازات تشهیر، سزادهی و ارباب، جلوگیری از تکرار جرم، توان‌گیری و استیفای حقوق دائن از مدیون به عنوان شاکله اقدامات بازدارنده در زمینه وقوع و تکرار جرم قابل مشاهده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۹).

همچنین باید تأکید کرد که آنچه از متون فقهی برمی آید، اصل در «تشهیر»، حرام بودن آن است. فقها به احادیثی چون حرمت آبروی مؤمن از حرمت خانه کعبه بالاتر است، استناد می کنند. بدین سان، در تردید جواز اجرای تعزیر رسواسازی برای محکوم، اصل را بر عدم جواز آن می نهیم (رشادتی و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۰۴).

۳. قاعده تشهیر در نظام حقوقی ایران

انتشار حکم محکومیت، کیفری است که برخلاف سایر کیفرها از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا از یکسو شدیداً بر کرامت و حیثیت محکوم و جایگاه اجتماعی او لطمه می زند و ممکن است ضرر و زیان ناشی از آن، بیش از کیفر اصلی باشد و از طرف دیگر این قابلیت را دارد که موجب اختلال در نظم جامعه گردد (توجهی، ۱۳۹۴: ۶۶).

عوامل متعددی در تصویب «قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب و الحاق سه تبصره به آن» (مصوب ۱۳۸۵) که از آن به عنوان «قانون تشهیر» یاد می شود، دخیل بوده اند. اعلان عمومی پرونده های مهم مفساد اقتصادی از جمله پرونده مهم محکومی به نام ش. ج که با سوء استفاده از رانت های غیر قانونی توانسته بود ثروت هنگفتی به دست آورد از جمله مهم ترین این حوادث بود. علاوه بر این افشای نام مجرمان و مفسدان اقتصادی و آفازده ها به یکی از مهم ترین مباحث انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری تبدیل شده بود. دولت جدید پس از انتخابات در مقاطع مختلف بر ضرورت افشای نام مفسدان اقتصادی تأکید می ورزید. از سوی دیگر، عدم اطلاع رسانی مطلوب قوه قضاییه در خصوص روند رسیدگی به پرونده های مهم مفساد اقتصادی موجب ایجاد جو بدبینی نسبت به عملکرد قوای مقننه در زمینه مبارزه با مفساد اقتصادی شده بود. در این فضا این قوه برای رهایی از متهم شدن به بی توجهی به امر مبارزه با مفساد اقتصادی تلاش کرد، طرح اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه افشای علنی نام و هویت مجرمان اقتصادی را ارائه کند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۱۲۵۲).

بعد از این در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تشهیر تنها در جرایم مستوجب تعزیر پیش بینی شده است. در ماده ۱۹ قانون، انتشار حکم قطعی در رسانه ها به عنوان یکی از مجازات های تعزیری درجه شش مورد تصریح قرار گرفته است^۱. در ماده ۲۰ نیز برای کیفر اشخاص حقوقی، از انتشار حکم محکومیت در «رسانه ها» نام برده شده است^۲. گفتنی است رسانه دارای مفهومی گسترده تر از روزنامه های محلی و کثیرالانتشار دارد و شامل این دو مورد و موارد دیگر نیز می شود؛ به عبارت دیگر، قانون گذار به دادگاه اجازه داده است با توجه به آثار زیان بار بالایی که جرایم ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی امکان بروز دارد، دادگاه این امکان را دارد که دستور انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی را نه در روزنامه های

۱. ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص درجه بندی مجازات های تعزیری در درجه شش به انتشار حکم قطعی دادگاه در رسانه ها تصریح کرده است: ... انتشار حکم قطعی در رسانه ها.

۲. ماده ۲۰ در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: ... چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها.

کثیرالانتشار بلکه در رسانه‌های پرمخاطب‌تر و اثرگذارتری مانند تلویزیون و رادیو نیز صادر کند؛ از این رو انتخاب نوع رسانه بر عهده دادگاه خواهد بود و در این زمینه هیچ محدودیتی وجود نخواهد داشت (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۵۵).

در مورد مجازات‌های تکمیلی، انتشار حکم محکومیت علاوه بر جرایم تعزیری به موجب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، درباره مرتکبان جرایم حدی و مستوجب قصاص نیز قابل اجرا خواهد بود؛^۱ به عبارت دیگر همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، قانون‌گذار در مورد این جرایم تشهیر را مجازات اصلی در نظر نگرفته است، اما به موجب این ماده ممکن است درباره مرتکبان جرایم حدی و مستوجب قصاص نیز این حکم به عنوان مجازات تکمیلی اعمال شود. البته در جرایم تعزیری، این حکم تنها درباره جرایم تعزیری درجه یک تا شش که شامل جرایم تعزیری شدید می‌شوند، قابل اعمال خواهد بود.

در جرایم بیان شده در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اصل بر الزامی و حتمی بودن دستور انتشار حکم محکومیت توسط دادگاه است^۲ و چنانچه دادگاه تصمیم به منتشر نکردن حکم

۱. ماده ۲۳ دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید:

س- انتشار حکم محکومیت قطعی

۲. ماده ۳۶ حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اختلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

تبصره این ماده قانونی به جرایم مالی و اقتصادی که میزان آن بیش از یکصد میلیون تومان می‌باشد، اشاره نموده و به لزوم انتشار احکام قطعی این‌گونه جرایم در رسانه ملی (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران) یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تکلیف کرده است.

تبصره- انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف- رشاء و ارتشاء

ب- اختلاس

پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

ث- تبانی در معاملات دولتی

ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی

چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

ح- جرائم گمرکی

خ- قاچاق کالا و ارز

د- جرائم مالیاتی

ذ- پول‌شویی

ر- اختلال در نظام اقتصادی کشور

ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

محکومیت داشته باشد، باید با بیان دلیل احراز کند که این اقدام موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه خواهد شد.^۱

یکی از موارد تشهیر کیفری در فقه اسلامی که بر مبنای آن، قوانین سابق کیفری ایران نیز تصویب و اجرا می‌گردید، اجرای علنی مجازات رجم زانی یا زانیه به ارتکاب زانی محصنه بوده است. قانون‌گذار با یک تحول قابل توجه در سیاست جنایی تقنینی نسبت به اجرای مجازات سنگسار در خصوص زناکار محصن یا محصنه، با تصویب ماده ۲۲۵ قانون فوق، عملاً مجازات رجم (سنگسار) را جزو قوانین متروک و غیرقابل اجرا قرار داد و تشهیر کیفری در این رابطه منتفی شد و بر فرض ثبوت جرم، رجم مرتکب به اعدام غیرعلنی تبدیل گردید و قانون‌گذار تشهیر در این خصوص را لغو نمود.^۲ از دیگر موارد تشهیر در نظام حقوق کیفری ایران می‌توان به ماده ۶ قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸ و ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی و ماده ۲۷ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ اشاره نمود که در آن‌ها حسب مورد به عنوان علنی کردن مجازات مد نظر قرار گرفته است.

اجرای علنی مجازات بر مبنای اصول و اسلوب قواعد سنجش‌پذیر بنا نشده است و در عمل به بازدارندگی و کنترل جرایم منجر نشده است؛ از همین روست که نشانه‌هایی از عوام‌گرایی کیفری در آن قابل مشاهده است؛ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۹۹ ممنوعیت اجرای علنی مجازات را اصل و خلاف آن را استثنا و مستلزم وجود الزامات قانونی و مصلحت سنجی‌های قضایی کرده است (کرامتی معز و حسن آبادی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

۴. قاعده تشهیر در نظام حقوق کیفری غرب

تبارشناسی تاریخی مجازات‌ها نشان می‌دهد که اهدافی چون سزاگرایی، بازدارندگی، بازپروری، اصلاح و درمان، تعدیب مجرم، تشفی خاطر بزه‌دیده، پیشگیری، موازنه عدالت جمعی، تعلیم اخلاقی و ناتوان‌سازی فرد بزه‌کار، هر کدام در چرخش‌های پارادایمی به عنوان هدف اصلی مجازات انتخاب شده و در جغرافیای حقوقی مشخصی استقرار یافته‌اند. اهداف انتخاب شده مذکور، صرف نظر از اینکه اهداف در تشتت‌هایی مستمر قرار داشته‌اند، اما بازدارندگی به عنوان شاخص‌ترین هدف مجازات در سرتاسر تاریخ تحولات حقوق کیفری وجود داشته است. منحنی تحولات کیفری در سیستم‌های قضایی، نشان می‌دهد که تلاش

۱. یکی از اصول مسلم حاکم بر قانون‌نگاری، آن است که تبصره الحاقی به یک ماده، باید ابعاد مبهم آن ماده را تبیین یا قلمرو آن را مشخص ساخته یا تحدید کند. اندکی دقت در ماده مورد بحث، گویای عدم ارتباط میان تبصره و ماده فوق می‌باشد؛ زیرا متن ماده ناظر به یکی از کیفرهای تکمیلی و تبصره آن، عهده‌دار بیان یک کیفر اصلی الزامی می‌باشد. انتظار معقول آن است که تبصره این ماده، ملاک روزنامه محلی، یا معیار اخلال در نظم و امنیت را تبیین کند نه آنکه یک قاعده حقوقی مستقل که اقتضای پیش‌بینی ماده‌ای جداگانه را دارد، در قالب تبصره گنجانده شود (توجهی، ۱۳۹۴: ۶۸).

۲. ماده ۲۲۵- حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.

مکاتب مختلف کیفرشناسی در طول تاریخ، مبتنی بر استقرار، مجازات‌هایی بوده که بیشترین بازدارندگی را ایجاد کرده و از ارتکاب مجدد آن جرم توسط خود مجرم یا مجرمان بالقوه دیگر پیشگیری نمایند. یکی از انواع مجازات‌های مؤثر در این زمینه تشهير است. امروزه این مجازات، متناسب با مقتضیات و فرهنگ حقوقی هر کدام از سیستم‌های عدالت کیفری، متحول شده و با کیفیتی متفاوت به اجرا گذاشته می‌شود. انتشار اسامی بزهکاران اقتصادی، انتشار تصاویر محکومان جرایم جنسی (قانون مگان کالیفرنیا^۱)، (۲۰۲۱)، الزام به عذرخواهی رسمی^۲، تحقیر در مقابل عموم مردم^۳ و انتشار حکم محکومیت در جرایم و رسانه‌های گروهی، تجلیات کیفری متنوعی است که همگی در ذیل مجازات تشهير قرار گرفته و در قوانین جزایی کشورهای مختلفی منعکس شده‌اند. به عنوان نمونه گستره مطالبات عمومی در دهه ۱۹۹۰ سبب شد تا بسیاری از ایالت‌ها در آمریکا، مقرراتی را تصویب کنند که ضمن تشهير و معرفی بزهکاران جنسی به عموم مردم، آن‌ها را ملزم می‌ساخت تا نام خود را نزد مأموران اجرای قانون یا دفاتر ثبت مرکزی، ثبت کنند. مشهورترین قانون اخطار عمومی و ثبت نام محکومان جرایم جنسی و اعلام آن به توده مردم، همان گونه که بالا اشاره شد، قانون فدرال مگان می‌باشد (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

نظام دستورالعمل‌های صدور حکم در ایالات متحده این اختیار را به قضات تفویض داشته است که با استفاده از رسانه‌های جمعی و جرایم محلی، در خصوص جرایم شرکتی و اقتصادی اقدام به صدور مجازات‌هایی نمایند که ماهیت نمایش عمومی و تشهير در آنها وجود دارد (کاهان^۴ و پوسنر^۵، ۱۹۹۹: ۳۷۱-۳۷۰). دیوان محاسبات فرانسه طبق اصل ۱۵ بیانیه حقوق بشر که اشعار می‌دارد: «شهروندان این حق را دارند که از مسئولین دولتی در قبال مسئولیتشان سؤال نمایند»، گزارشات خود را از سال ۲۰۱۲ در پایگاه اینترنتی^۶، جهت اطلاع شهروندان از اقدامات مسئولیت دولتی کشور، منتشر می‌نماید (حاجی باقری، ۱۳۹۶). این گزارش‌ها، متضمن اعلان موارد انحراف عملکرد مسئولان است که از بودجه عمومی دستگاه‌های دولتی یا نهادهای عمومی و حاکمیتی استفاده کرده و در عین حال ممکن است از مسیر قانونی منحرف شده باشند. این افشای عملکرد و تحلیل آن توسط رسانه‌ها و افکار عمومی، ابزار مهمی در جلوگیری از بروز تخلفات است؛ بنابراین کارکرد قاعده تشهير در نظام حقوقی فرانسه کاملاً مشهود و کارا و اثربخش می‌باشد.

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نیز تشهير موضوعات مرتبط با جرم به گونه‌ای دیگر مد نظر است. در این کشور، تأسیس حقوقی تحت عنوان معامله اتهام وجود دارد که در واقع یک نوع قرارداد شفاهی و توافق نانوشته بین مقام رسیدگی کننده به اتهام یا اتهامات یک متهم می‌باشد که در صورت همکاری متهم با دستگاه قضایی در لو دادن سایر متهمان یا استرداد وجوه تصاحب شده یا جبران خسارت در مراحل اولیه تحقیق و... پیگیری پرونده متهم یا متوقف می‌شود یا در میزان مجازات وی تخفیف قابل

1. California Megan's Law

۲. الزام بزهکار اقتصادی به عذرخواهی رسمی از تمامی مردم در جرایم و رسانه‌های جمعی است که با توجه به کارآمدی نظریات شرمساری در ساختار فرهنگی ژاپن، کیفری اثرگذار تلقی می‌گردد (یون، ۲۰۰۵: ۱۳-۱۲).

3. Public humiliation

4. Kahan

5. Posner

6. www.ccomptes.fr

توجه لحاظ می‌گردد (روشن قنبری، ۱۳۸۹).

اگر متهمی که مرتکب یکی از جرایم اقتصادی علیه حقوق یا اموال عمومی شده باشد، در مراحل اولیه تشکیل پرونده و جمع‌آوری دلایل و مستندات علیه وی، از سوی مقام قضایی رسیدگی‌کننده، تهدید شود چنانچه وجوهی را که از سازمان تحت مدیریت خویش اختلاس یا تصرف غیرقانونی نموده‌ای، پیش از ارجاع امر به کارشناس حسابرس دادگستری و استعلام از بانک و... به سازمان مربوطه مسترد نمایید، از افشای (تشهیر) اقدامات شما خودداری و پرونده مشکله بدون اطلاع خانواده و نیز سازمان ذی‌ربط در همین مرحله اولیه بسته خواهد شد؛ در غالب موارد، شخص بزهکار اقتصادی، برای حفظ موقعیت اداری یا برای حفظ آبرو نزد رقبای اداری و سازمانی یا جلوگیری از ایجاد سوء سابقه کاری، با رضایت کامل ضمن اقرار به رفتار مجرمانه خویش و نحوه انجام آن، از هراس تشهیر موضوع، اقدام به استرداد اموال مورد اختلاس یا ارتشاء و غیره می‌نماید و از این طریق، دستگاه عدالت قضایی بدون پیموده شدن مراحل طولانی دادرسی کیفری، موفق به استرداد اموال عمومی می‌گردد.

۵. بایسته‌های قاعده تشهیر از منظر هزینه‌های دولتی و دادرسی

۵-۱. لزوم محدودیت تشهیر

قاعده تشهیر یکی از موارد خاص برای پیشگیری از جرم و نیز مجازات بزهکار در مواردی که تشهیر به عنوان کیفر پیش‌بینی شده است، می‌باشد. لذا باید مصادیق و موارد عملی آن بر اساس شخص بزهکار و نوع جرم محدود باشد و مجریان قانون در اعمال آن مبسوط‌البد نباشند. به طور کلی افراد درگیر در فرایند کیفری را می‌توان به سه گروه «متهمان فراری»، «متهمان دستگیر شده» و «مجرم دارای محکومیت قطعی» تقسیم نمود.

در مورد متهمان فراری، قوانین در مورد جواز یا عدم جواز انتشار تصویر و مشخصات متهمان ساکت است؛ به نظر می‌رسد این کار، جهت دستیابی به این گروه و با دستور مرجع قضایی ممنوعیتی نداشته باشد. در مورد متهمان دستگیر شده، قانون‌گذار صریحاً انتشار تصویر و مشخصات «متهم» تا پیش از محکومیت قطعی با هر هدفی (از جمله پیدا نمودن بزه‌دیدگان جرم، تحقیق متهم، ارباب‌سایرین و یا اطلاع‌رسانی از روند پرونده) را ممنوع و جرم اعلام کرده است.

در مورد مجرم دارای محکومیت قطعی، انتشار تصویر و مشخصات «محکوم» صرفاً در مورد ارتکاب جرایم مذکور تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی و جرایم شهادت کذب، قوادی، قذف، زنا و کلاهبرداری، مجاز و در مورد سایر جرایم ممنوع و مجرمانه می‌باشد.

یکی از فواید تشهیر رسانه‌ای، کم‌هزینه بودن آن نسبت به جرایمی است که مجازات آن زندان است. اگر جهت نگهداری مجرمین در زندان، جامعه و دستگاه قضایی، متحمل هزینه‌های زیاد می‌شود، تشهیر، هزینه خاصی ندارد و حتی هزینه انتشار حکم در رسانه نیز از محکوم علیه گرفته می‌شود. پس چنین اقدامی برای جامعه گران تمام نمی‌شود. در صورتی که برای محکوم دارای هزینه بوده و گران است؛ بنابراین مجازاتی با آثار بازدارندگی عمومی و خاص، بدون هزینه مادی خاصی قابل اعمال است (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

تشهیر رسانه‌ای، در مورد آن دسته از بزهدارانی مقبول جامعه و مناسب است که با استفاده از موقعیت اجتماعی، جایگاه شغلی، قدرت و نفوذ اداری خود به دارایی‌های عمومی یا به اموال شهروندان دست‌اندازی می‌کنند و در همین حال با استفاده از قدرت تفکر و برنامه‌ریزی می‌توانند با حفظ شان و شخصیت اجتماعی خود از هرگونه تعقیب قانونی در امان باشند. در مورد این گروه از مجرمین «یقه‌سفید» مجازاتی که بیش از بقیه کیفرها تهدیدکننده و بازدارنده می‌باشد، افشای هویت واقعی آنان برای مردم است. همچنین در مورد اشخاص حقوقی نیز می‌توان از تشهیر استفاده کرد، چون فعالیت این اشخاص عمدتاً با منافع عمومی و سلامتی افراد مرتبط است.

در «جرایم مبتنی بر اعتماد» که بیشتر ناظر به «جرایم اقتصادی» و نوعی سوء استفاده از اعتماد عمومی است و عدم شناساندن مجرمین موجب متضرر شدن سایر افراد می‌گردد، به نظر می‌رسد انتشار حکم می‌تواند در صیانت از جامعه و حقوق مربوط، مؤثر باشد؛ زیرا این جرایم با ماهیت آن تعدی به منافع و مصالح عمومی است (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

۵-۲. اعمال تشهیر توسط مراجع شبه قضایی

در برخی از موارد، جرم ارتكابی متهم، برابر قانون هم قابل رسیدگی در مراجع کیفری می‌باشد و هم در مراجع شبه قضایی یا انتظامی. به عنوان نمونه در جرایم اقتصادی نظیر اختلاس، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و... که بودجه سازمان دولتی خاصی مورد حیف و میل و تصاحب قرار گرفته است، شخص متهم برابر قانون، هم قابل تعقیب در دادسرای عمومی صلاحیت‌دار می‌باشد و هم قابل تعقیب در دادسرای دیوان محاسبات کشور. این شخص علاوه بر اینکه قابل تعقیب در مراجع فوق‌الذکر می‌باشد، پرونده اتهامی وی از حیث انتظامی قابل رسیدگی در هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری سازمان متبوع نیز می‌باشد.

در چنین مواردی، مجازات پیش‌بینی شده در قانون دیوان محاسبات کشور یا هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری برای متهم به ارتكاب جرایم اقتصادی علیه دولت، شاید نسبت به مجازات‌های پیش‌بینی شده در قوانین کیفری سبک‌تر باشد؛ ولی به جهت آنکه آبروی متهم با اعمال این‌گونه مجازات‌های غیر کیفری، (مانند تعلیق از خدمت، انفصال موقت یا دائم از خدمت، درج در پرونده استخدامی و...) در معرض خدشه است و از ادامه همکاری با سایر نهادهای دولتی یا عمومی غیردولتی نیز محروم می‌شود؛ چه بسا حاضر است قبل از تشکیل پرونده نهایی در این مراجع و صدور تصمیم از سوی آنها نسبت به جبران خسارات وارده به سازمان ذی‌ربط یا استرداد اموال برداشت شده، بدون آنکه سازمان مزبور از این اقدامات مجرمانه وی آگاهی یابد، اقدام نماید. در چنین مواردی نیز دستگاه عدالت قضایی در هزینه تشکیل پرونده کیفری و طی مراحل طولانی دادرسی کیفری که متحمل هزینه هنگفت برای دولت می‌باشد، صرفه‌جویی می‌کند.

افزون بر آن، در برخی موارد دیده شده که متهم حاضراست و کیل مدافع اختیار کند و مراحل طولانی دادرسی کیفری را برای منحرف نمودن مسیر دادرسی کیفری بپیماید و نهایتاً یا در این مسیر پر پیچ و خم موفق به اخذ حکم برائت از اتهام انتسابی شود و یا در صورت محکومیت کیفری، تحمل مجازات کیفری در برخی شرایط برای چنین متهمی، آسان‌تر از آگاهی دستگاه استخدامی از وقوع جرم و انفصال دائم وی

از خدمات دولتی که دیوان محاسبات برایش صادر کرده است، می‌باشد؛ لذا رسیدگی مراجع شبه قضایی مانند دیوان محاسبات و مراجع انتظامی به اتهام شخص و تهدید وی به تشهیر وقوع جرم، هم موجب صرفه‌جویی بسیار در رسیدگی دستگاه عدالت قضایی می‌گردد و هم در استرداد اموال حیف و میل شده (بدون رعایت تشریفات دادرسی کیفری) به بیت المال اقدام گردیده است.

۳-۵. علنی بودن دادرسی (تشهیر در محاکمه) و استثنائات آن

علنی بودن دادرسی به این معنی است که درب‌های دادگاه در حد امکان و گنجایش به روی عموم مردم باز باشد تا دادرسی نه تنها با حضور طرفین، بلکه با نظارت عمومی انجام شود. نظارت عموم مردم بر اجرای دادرسی سبب رعایت بی‌طرفی و انجام صحیح فرآیند آن است.

هنگامی که دادرسان خود را در معرض قضاوت عمومی به خصوص نمایندگان رسانه‌ها، ببینند ضمن رعایت اصل بی‌طرفی، سعی بر انجام صحیح‌تر آن می‌کنند؛ بنابراین تکلیف قوه قضاییه این است که اسباب تحقق اصل علنی بودن را مهیا کند (طهماسی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). اهمیت این اصل به گونه‌ای است که در تمام اسناد بین‌المللی مرتبط با دادرسی، مورد تأکید قرار گرفته و همواره اصلی از قانون اساسی کشورها را به خود اختصاص می‌دهد، نمونه آن در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است که از جمله مواد ۶۴ و ۶۷، اصل علنی بودن دادرسی تأکید نموده است.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد: دادرسی جرایم ارتكابی نوجوانان نیز می‌تواند غیرعلنی برگزار شود. بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، حق برخورداری از دادرسی علنی را تنها در مورد دادرسی‌های کیفری مقرر می‌دارد. وفق این مأخذ قانونی، جلسات رسیدگی کیفری علنی خواهد بود، مگر تا حدی که برای حمایت از مصالح دادرسی باشد. بند «الف» ماده ۷۹ قواعد رویه‌ای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز احتمال برگزاری جلسات غیرعلنی دادرسی را در نظر گرفته بود (نوری نشاط، ۱۳۸۸: ۳۷۶).

به هر حال وظیفه برگزاری علنی دادرسی طبق بند اول ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بر عهده دولت است و به تقاضای طرف ذی‌نفع منوط نیست. سنت و رویه قضات در صدر اسلام نیز که همواره مساجد و اماکن عمومی را برای محل قضاوت انتخاب می‌کردند، بر این رویکرد شکل گرفته است. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند یک ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی است که بر علنی بودن دادرسی تأکید دارند. در این اسناد تصریح شده است، هر فردی حق دارد به اتهام کیفری او یا حقوق و تعهدات مدنی وی در یک دادگاه صلاحیت‌دار، مستقل و قانونی رسیدگی عادلانه و علنی صورت گیرد. در اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر شده است: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

۴-۵. علنی بودن (تشریح) دادرسی برای غیر متهم

اصل علنی بودن دادرسی، یکی از جلوه‌ها و شاخصه‌های اساسی دادرسی عادلانه بوده و از مهم‌ترین تضمین‌های آن شمرده می‌شود (حاجی پور کندرود و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۷)، علنی بودن دادرسی از الزاماتی است که صرفاً در زمره حقوق متهم به شمار نمی‌رود، بلکه اجرای آن هم به نفع طرفین دعوا است و هم به نفع اجرای عدالت. ضمن آنکه جنبه‌های آموزشی و پیشگیرانه نیز دارد؛ بنابراین باید در قوانین آیین دادرسی، اسباب اجرای آن فراهم شود و قوه قضاییه نیز امکان لازم را برای تحقق این مهم مهیا کند؛ زیرا پذیرش نظارت عمومی سبب اعتماد همگانی به دستگاه قضایی می‌شود و احساس امنیت در جامعه را ارتقاء می‌دهد. دادرسی‌های سری، حتی اگر به بهترین وجه انجام شود، چون از کنترل افکار عمومی خارج است، سبب بدبینی نسبت به اجرای عدالت می‌گردد. البته بیم تعدی به حقوق متهم در دادرسی‌های سری نیز وجود دارد.

اگر دادرسی به صورت سری انجام شود، عرصه برای برداشت‌های شخصی و جوسازی رسانه‌ای مهیا می‌گردد. علنی بودن دادرسی تا حد زیادی از تفسیرهای سلیقه‌ای رسانه‌ها جلوگیری می‌نماید و آشکار بودن ابعاد مختلف دادرسی، سبب قضاوت صحیح عمومی، بر اساس واقعیت‌های فرآیند دادرسی شده و جوسازی‌های سیاسی و اعتراض شخصی و گروهی را خنثی می‌کند.

علی‌الاصول، بی‌طرفی مهم‌ترین ارزش بنیادین دادرسی عادلانه است که سازوکارهای مختلفی مثل استقلال ساختاری دادگاه، شایستگی و سلامت قاضی و تعیین موارد رد دادرسی، الزاماتی هستند که اجرای آن را تضمین می‌کنند. علنی بودن دادرسی یکی از سازوکارهای تضمین‌کننده رعایت اصل بی‌طرفی در دادرسی است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

با این همه باید توجه داشت که اصل علنی بودن دادرسی، مطلق نیست؛ بلکه در موارد مشخصی مواجه با محدودیت‌ها و استثنائاتی است. در اسناد بین‌المللی^۱، مواردی مانند «رعایت اخلاق حسنه» «نظم عمومی» و «امنیت ملی» وضعیت‌هایی است که علنی بودن دادرسی را غیر ضروری جلوه می‌دهند. مصلحت اطفال و نوجوانان، همچنین تقاضای طرفین دعوا در دعاوی خصوصی، از جمله مواردی است که اقتضای غیر علنی بودن دادرسی دارند. ضرورت علنی بودن دادرسی و استثنائات آن، علاوه بر قانون اساسی و قوانین بین‌المللی در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در ماده ۳۵۲ مورد توجه قرار گرفته است.^۲

۱. در بند الف ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است: «... رسانه‌ها و عموم مردم ممکن است از تمام یا بخشی از محاکمه به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در جوامع دموکراتیک یا هر وقتی که منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد اقتضاء کند یا در مواردی که علنی بودن به اعداف عدالت لطمه وارد کند تا حدی که به نظر دادگاه کاملاً ضروری باشد، محروم شوند...»

در بند ۲ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان عدالت کیفری بین‌المللی نیز قید شده است: «به عنوان استثنایی بر اصل علنی بودن جلسات دادرسی که در ماده ۶۷ مقرر گردیده به منظور حفظ مجنی علیهم، شهود و یا متهم می‌توان هر مرحله‌ای از مراحل دادرسی را به صورت غیر علنی برگزار کرد...»

در قسمت پایانی اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این استثنائات تأکید شده است.

۲. ماده ۳۵۲- محاکمات دادگاه علنی است. مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیر علنی بودن محاکمه را در موارد زیر صادر می‌کند: الف) امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا اخلاق حسنه است.

گاهی محاکمه به جهت نقض اصل علنی بودن دادرسی، مواجه با بطلان می‌شود؛ زیرا با توجه به اهمیت رعایت اصل علنی بودن محاکمات، تخلف از آن موجب بطلان است؛ اما باید حالت‌های مختلف را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داد. چنانچه دادگاه در صورت جلسه خود، علنی بودن دادگاه را بیان نکند، موجب بطلان حکم دادگاه نمی‌شود؛ زیرا اصل بر علنی بودن است مگر اینکه از محتویات پرونده و صورت جلسه چنین برآید که دادگاه به صورت غیرعلنی تشکیل شده است. اگر جلسه دادگاه بدون صدور قرار غیرعلنی بودن یا بدون ذکر علت غیرعلنی بودن در قرار صادره، به صورت غیرعلنی برپا گردد، موجب بطلان حکم دادگاه خواهد شد (زراعت، ۱۳۹۰).

البته مسأله انتشار جریان رسیدگی در رسانه‌ها با علنی بودن دادرسی متفاوت است. بر همین اساس به موجب ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن، محدودیت‌های مشخصی برای انتشار جریان دادرسی مقرر شده است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۷۲). انتشار جریان رسیدگی به اتهامات متهم در رسانه‌ها، از دو جنبه مؤثر است. جنبه سیاست جنایی مشارکتی مثبت که موجب نظارت رسانه‌ها به عنوان نمایندگان عموم مردم بر نحوه رسیدگی مراجع قضایی و انطباق یا عدم انطباق آن با قوانین و نیز پیشگیری از تکرار چنین جرایمی توسط متهم تحت محاکمه و سایر افراد مستعد و صرفه‌جویی در این رابطه برای هزینه‌های مرتبط با ارتکاب بعدی جرایم دارد و جنبه دیگر سیاست جنایی مشارکتی منفی که دخالت رسانه‌ها در اداره جلسات رسیدگی و کشف حقیقت و مسیر عدالت و به‌ویژه تأثیر در تصمیم‌گیری دادگاه می‌باشد. در بسیاری موارد دخالت رسانه‌ها موجب خروج دادگاه از مسیر حق و عدالت به جهت دخالت‌های پوپولیستی رسانه‌ها و صدور احکام مخالف عدالت گردیده، ولی انتشار جریان رسیدگی از جنبه مثبت آن موجب کاهش در هزینه‌های ارتکاب جرم از حیث پیشگیری از تکرار آن توسط شهروندان می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از مسائلی که مکرراً در آموزه‌های فقهی و اسلامی به آن اشاره شده است، حرمت آبروی مؤمن می‌باشد که آن را با حرمت خون مؤمن قیاس نموده‌اند. از آنجا که مجازات تشهیر یک استثنا بر اصل حرمت آبروی مؤمن و اصل کرامت ذاتی انسان است، لذا شرع مقدس آن را برای جرایم خاص و به صورت موردی وضع نموده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد جایز نیست تا این مجازات را بدون مجوز شرعی یا حکم ثانویه حاکم شرع به سایر جرایم نیز تعمیم دهیم. در سیاست کیفری ایران مجازات تشهیر هم در مجازات‌های اصلی به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی آمده است و هم در شمار مجازات‌های تکمیلی اختیاری و اجباری قرار گرفته است. البته تا پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ردپای کیفر تشهیر را باید به صورت محدود و در جرایم معدودی به عنوان مثال قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب و الحاق سه تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵ و حد زنا با تخلفاتی مانند گران‌فروشی جست‌وجو کرد، ولی در قانون جدید، قانون‌گذار در طیف وسیعی از جرایم، این کیفر را مورد تصریح قرار داده است.

⚡ (ب) علنی بودن، محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره: منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.

با بررسی ماهیت و مفهوم قاعده تشهیر و علنی کردن جرم یا تخلف یک شخص و نقش علنی کردن جرم ارتکاب چه در مرحله قبل از تعقیب قضایی توسط رسانه‌های گروهی یا در مراجع صنفی و خصوصی و چه از طریق محاکمه علنی متهم با حضور افراد و شهروندان و خبرنگاران و انتشار جریان محاکمه در رسانه‌های گروهی و نیز علنی کردن برخی از احکام قطعی دادگاه‌ها به‌ویژه در رابطه با جرایم اقتصادی و علیه بیت‌المال، یک نتیجه‌گیری اساسی از اعمال قاعده تشهیر در همه این مراحل به دست می‌آید و آن نقش اعمال این قاعده در جلوگیری از تکرار جرم توسط شخص بزه‌کار و پیشگیری از ارتکاب این جرم و جرایم مشابه توسط افراد مستعد ارتکاب به جهت مضرات و زیان‌های ارتکاب جرم در مقایسه با سود ناشی از انجام آن است. این امر علاوه بر تضمین صرفه‌جویی در هزینه‌های ناشی از وقوع جرم چه برای بزه‌کار از طریق جلوگیری از سوء سابقه‌دار شدن وی و نقش آن در آینده وی و خانواده‌اش، اساساً صرفه‌جویی هزینه‌های دولتی را برای دستگاه قضایی از جهت عدم تشکیل پرونده‌های متعدد قضایی و صرف هزینه دادرسی بابت رسیدگی به این گونه پرونده‌ها در پی دارد.

در آخر با عنایت به پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن تغییر در ماهیت و عناصر حقوق بشر، نیازمند پیشرفت در به‌کارگیری مجازات تشهیر هم است و همانند شیوه‌های سنتی، الزامی به گرداندن مجرم در کوی و برزن نیست و تنها با رعایت قواعد دیگری از جمله قاعده لاضرر، قاعده تنفیر از دین و همچنین جلوگیری از بی‌اعتمادی اجتماعی می‌توان از رسانه‌ها به عنوان محملی برای شناسایی و معرفی مجرمان بهره برد و زمینه‌ها را برای تحقق حقوق شهروندی فراهم آورد.



منابع

* قرآن کریم

- ایزدی، پویا؛ غلامپور، محمدرضا. (۱۳۹۶). انتشار احکام قطعی در فقه و حقوق ایران. فقه و تاریخ تمدن، ۳ (۴): ۱۰۳-۸۱.

http://jhc.sinaweb.net/article_543594.html

- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. چاپ اول. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- حاجی باقری، احسان (۱۳۹۶). آشنایی با دیوان محاسبات فرانسه. اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل. دیوان محاسبات کشور.

- حاجی پور کندرود، علی؛ هاشمی، سید محمد؛ یآوری، اسدالله. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی مفهوم و الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در حقوق ایران و موازین بین‌المللی. حقوق تطبیقی، ۹ (۱): ۸۷-۱۱۹.

https://jcl.ut.ac.ir/article_67261.html

- حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۹۰). تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۳ (۴): ۶۸-۴۷.

https://feqh.semnan.ac.ir/article_1861.html

- حیدری، علی مراد. (۱۳۹۲). نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای. حقوق اسلامی، ۱۰ (۳۸): ۱۶۰-۱۳۳.

http://hoquq.iict.ac.ir/article_18225.html

- شجاعی، صدیقه؛ آهنگران، محمد رسول؛ روحانی مقدم، محمد. (۱۴۰۰). بررسی جایگاه فقهی و حقوقی مجازات تشهیر در ایجاد امنیت عمومی و ارتقاء حقوق شهروندی. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲۳ (۲): ۱۵۷-۱۸۴.

http://pok.jrl.police.ir/article_95506.html

- شجاعی، صدیقه بیگم. (۱۳۹۸). جایگاه تشهیر رسانه‌ای در مبارزه با مفاسد اقتصادی. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۹): ۱۵۰-۱۳۳.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1603186>

- رشادتی، جعفر؛ رضایی، علی. (۱۳۹۹). کیفرشناسی تشهیر و امکان‌سنجی نشر تصویر، حکم محکومیت و رسواسازی قضات متخلف. حقوقی دادگستری، ۸۴ (۱۱۰): ۹۷-۱۱۷.

http://www.jlj.ir/article_39149.html

- زراعت، عباس. (۱۳۹۰). بطلان در آیین دادرسی کیفری. چاپ نخست. نشر میزان.

- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. جلد سوم. نشر میزان.

- فرجیها، محمد؛ مقدسی، محمد باقر. (۱۳۹۵). پاسخ‌های کیفری عوام گرایانه به مفاسد اقتصادی. دایره المعارف علوم جنایی. زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.

- کرامتی معز، هادی؛ حسن آبادی، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). سیاست کیفری سخت‌گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران. چاپ دوم. انتشارات مهر کلام.

- لطیفی بنماران، مریم؛ پاکیان، اسدالله. (۱۳۹۹). تشهیر در سیاست جنایی اسلام در قبال جرائم اقتصادی. دانش انتظامی ویژه شرق استان تهران، ۷ (۲۷): ۲۶-۱.

http://shargh.jrl.police.ir/article_95306.html

- محدثی، زهرا؛ سلطانی، عباسعلی. (۱۳۹۶). نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳(۴۹)، ۷۱-۱۱۰.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=307507>

- غلامی، علی؛ مجتهدی، محمدحسین؛ طهماسبی، محمدحسن. (۱۳۹۷). مجازات تشهیر در تعزیرات (با رویکرد تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده آمریکا). مجله حقوقی دادگستری، ۸۲(۱۰۴)، ۱۵۵-۱۷۷.

http://www.ijl.ir/article_34684.html

- کاظمی، سید سجاد. (۱۳۹۸). در حقوق کیفری ایران «تشهیر» گستره کیفر. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۸(۱۶): ۱۴۱-۱۷۲.

http://www.pfbaj.ir/article_120506.html

- نوری نشاط، سعید. (۱۳۸۸). حقوق بشر در دستگاه قضایی. جلد اول. چاپ نخست.

- California Megan's Law, State of California Department of Justice, accessed 20 November 2021.

<https://meganslaw.ca.gov>

Kahan, D. M., & Posner, E. A. (2019). Shaming white-collar criminals: A proposal for reform of the federal sentencing guidelines. In Shame Punishment (pp. 155-181). Routledge.

<https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315243290-4/shaming-white-collar-criminals-proposal-reform-federal-sentencing-guidelines-dan-kahan-eric-posner>

- Yun, I. L. (2005, November). Hong, " Why Low Crime Rate in East Asia? Confucianism: Beyond Reintegrative Shaming. In Annual Meeting of the American Society of Criminology, Royal York, Toronto.

